

رسالة رمل

RISALAH-I RAML

By

Nasir bin Muhammad Tusi

Folios	:	4
Subject	:	Geomancy
Illustrated/Illuminated	:	-
Script	:	Nasta'liq
Scribe	:	-
Date of transcription	:	18th Century A.D.
Condition	:	The copy is damaged and worm-eaten throughout.
HL No.	1055 ;	Cat No. 1066

A very small tract on geomancy.

Beginning:

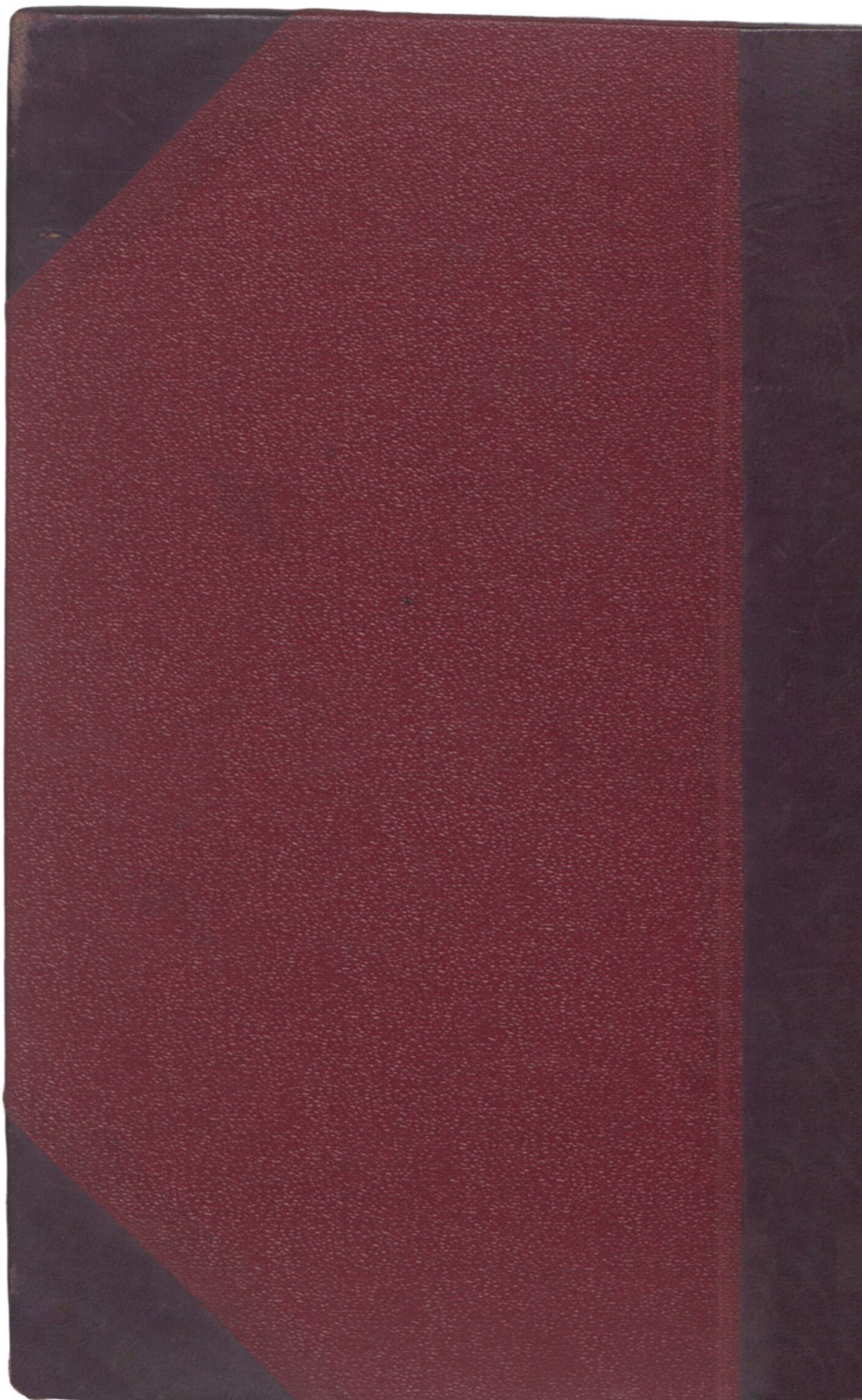
حمد ببعده و ستایش بلا حد مر حضرت موجودی را سزا است و مع *

Nasir-ud-Din Muhammad Tusi, the celebrated philosopher, who has been repeatedly mentioned in this catalogue, says in the preface to this small tract that he wrote these few words on geomancy at the request of his royal patron.

The work has no divisions. A table, divided into seven columns, and bearing the heading: جدول الاسرار في علم الرمل و سميته مقارنة المصغيات is found on the title-page, but it is doubtful whether this table is meant for this treatise or belongs to some other MS.

KASALA RAML

99-1

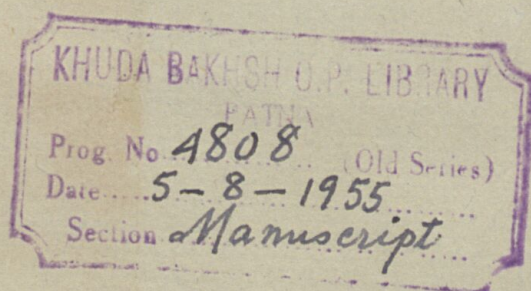


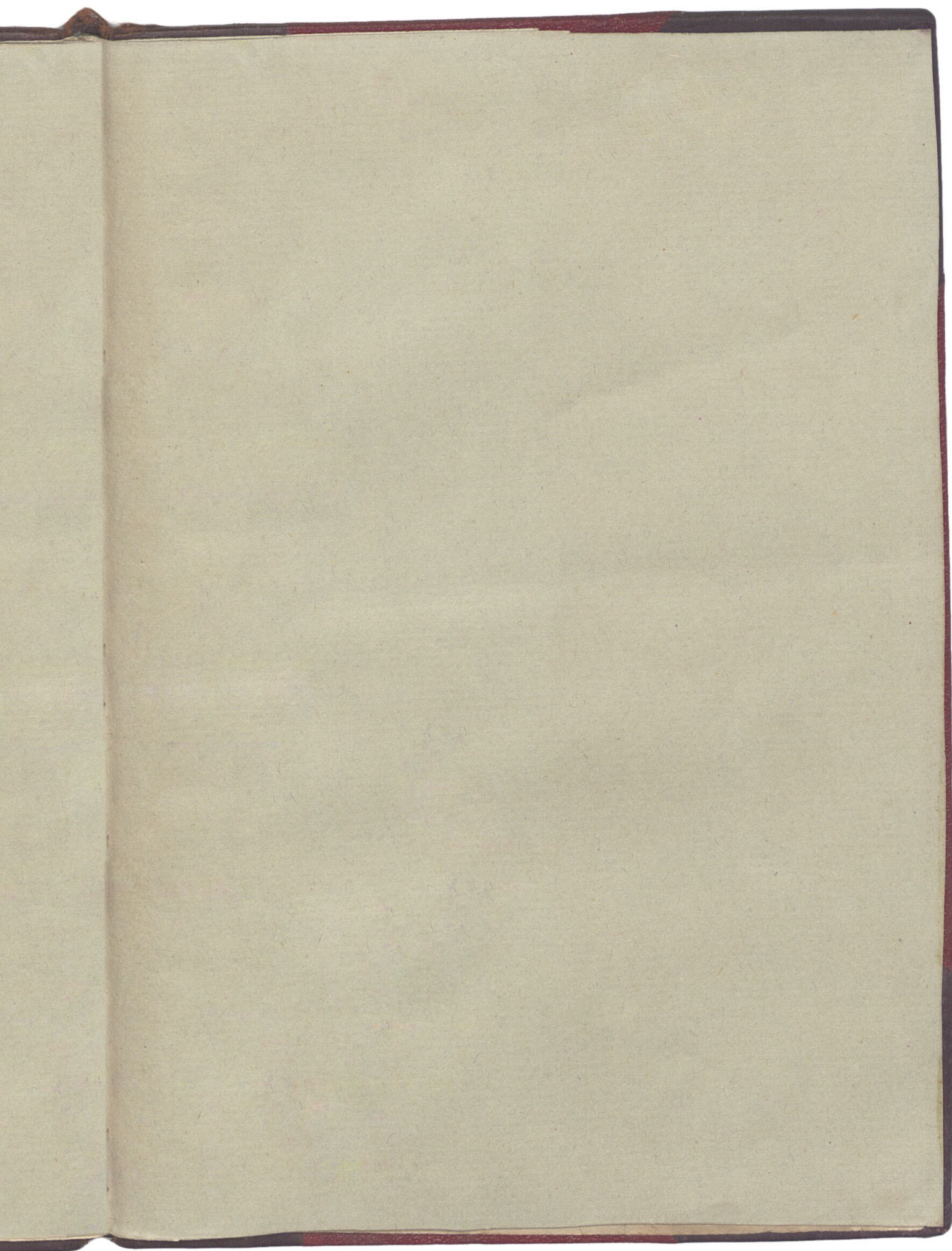
10500 c

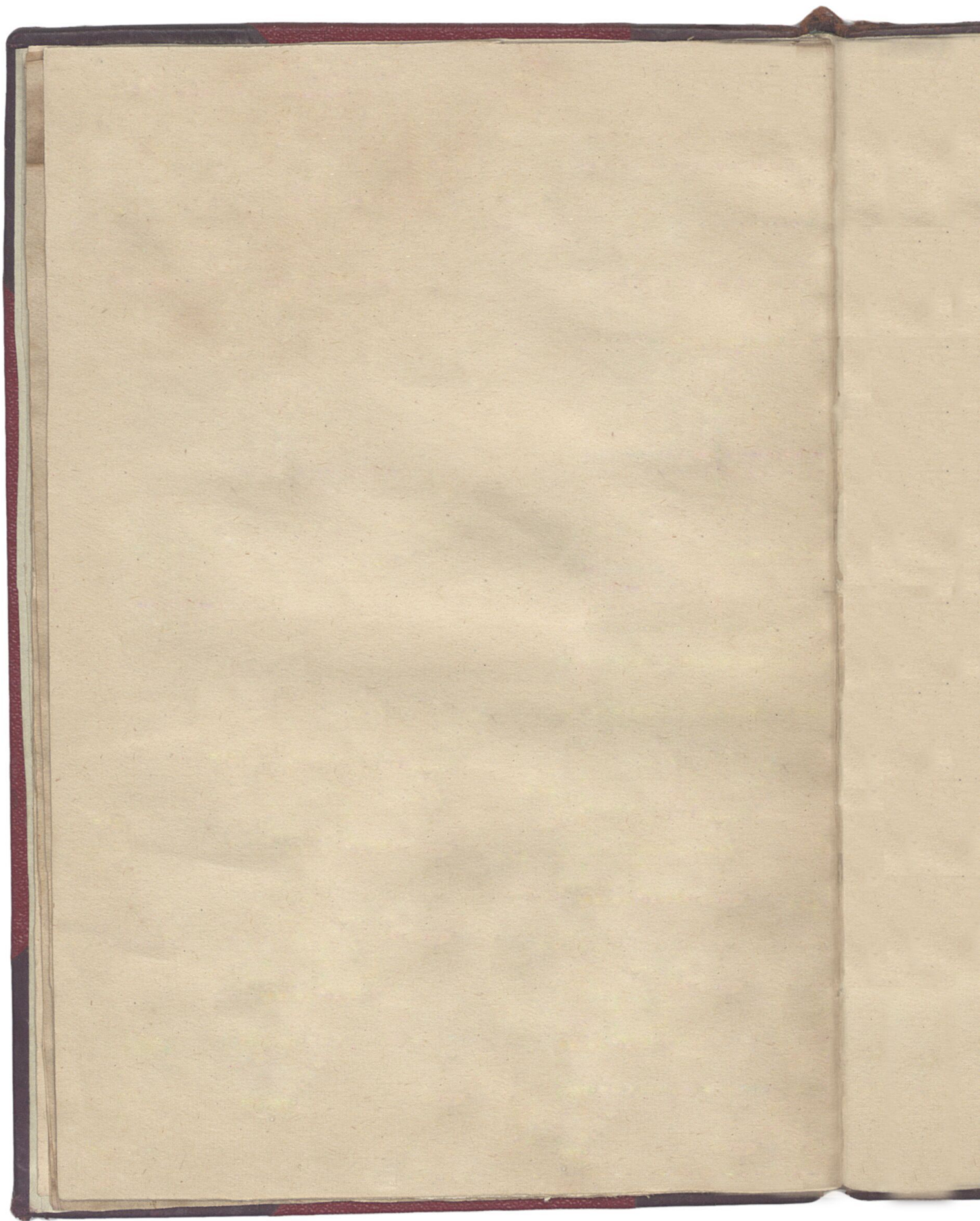
1.00 s

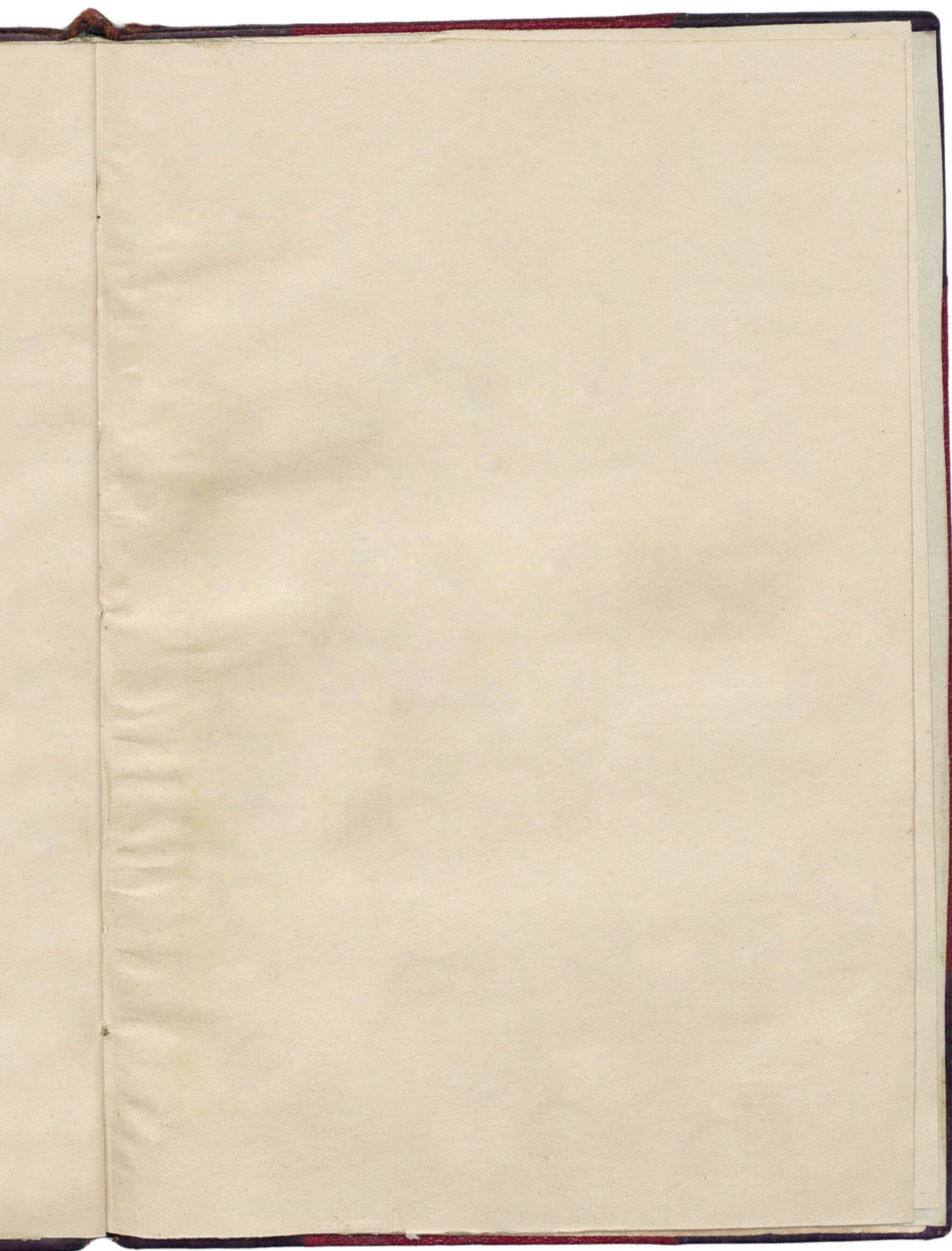
p. no. 4791

c - 1066









جدول الاسماء على سبعة مقارنات المعية						
كوفي	السري	الحلي	القيصري	الحلي	العقري	
ا	د	ز	ي	ك	م	هـ
مستخرج	مستخرج	مستخرج	مستخرج	مستخرج	مستخرج	مستخرج
ي	هـ	ج	س	ل	ط	ك
الحلي	الحلي	الحلي	الحلي	الحلي	الحلي	الحلي
ت	كل	ي	م	ب	ن	هـ
الحلي	الحلي	الحلي	الحلي	الحلي	الحلي	الحلي
م	م	ن	ن	ن	م	م
هـ	هـ	هـ	هـ	هـ	هـ	هـ

رسالة راجحة لغير الدين

طوسر قدس سره ٥

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بعد و ستایش بلا حمد حضرت موقر است که خسته بهار
اشکال بعد و بخش از یک نقطه واحد در دایره وجود اظهار گردید و تنها
واحد را که کافه خلد بق را از تیره ظلمات و طریق کموس شقاوت
بجاده تقیم شریعت هدایت نمود و رحمت و رضوان بر متابعان
او که از جمیع این جماعت حضرت حضرت رانای کفر و دین مقهور و
منصور گشت **اما بعد** چنین گوید اعلیٰ العالی فیض بن محمد طوسر که در این تاریخ

می یول، بسیار شدیم بود که این صورت در صورتات اشکال است و احکام که
رسانه مختصر در غایت اختصار بنویسد هر چند در این است این نیست
لا تخیر فرمان عالون صادر شد بود و نمودن بمقدور نیست الفانم چند
در ششم آورده بود ان الله که مقبول کرد و باید دانست که هر علم را موضوع
ضرورت و موضوع و نقطه است از جهت آنکه بعضی درین علم اند
نیج و فرد حکم کنند و این ن مواضع و آن نقطه اند و محمول او بیوت
و اشکال و هر آینه محله ذات مقدم خواهد بود بر حال و اجبت اول شرح
بیوت کردن بدانکه خانهای لایست زده است خانه اول تن و جان
خانه دوم بملک سعادت خانه سیم برادر و خواهر و فلک و حرکت خانه چهارم
به ملک و بدو و عقبیت خانه پنجم نفوذ و معنوت خانه ششم بخدمت کار
بیمار خانه هفتم لشکر و کفاح و غایب خانه هشتم بکوف و خطر و مرگ
سیرات خانه نهم بجمع و شغ و جواب خانه دهم به بادشاه و شغل و عمل
خانه یازدهم بامید و استنان خانه دوازدهم به بند و اسیر و دشمنان

خانه سیزدهم سیر طالب برای تدبیر خانه چهاردهم مفسر مطلوب و منع
و صید خانه پانزدهم بخر و احوال کلی و قضایا را ازین خانه گویند
و خانه شانزدهم قیس العزبت و فراغت و ترک لالذین
خانهها چهار را قند خوانند و آن اول و چهارم و هفتم و دهم و چهار
دین را مایه گویند و نهم و دهم و یازدهم و چهار و یک را
زایل گویند و آن هشتم و نهم و دوازدهم و او را ازهر آن
گویند که در قوت کام است و مایه مسانه قوت و زایل در ضعف قوت
چهار خانه آخر را زواید و شواهد خوانند و به او را بخش که اند و از خانهها
دوازده گانه است را ناظر خوانند و چهار را قطعه اکنون منوبات
اشکاب بیان کنیم: فرح شقیب حدت و منوبات برهن دارد
و عیش و عفتبازی و لهو و طرب و فرزند و لیس و ریت تعلق دارد و در
خانه اول نرود و در خانه پنجم سکن و در نهم حد و در دهم وجه و در ششم
درد سعد حاجرت و منوبات بهشتی و علم و دین و ائمه و فضیلت

و از آن متعلق بدو است و در در اول و در در هفتم
حد و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه
سه ثابت و منسوب بقدر و نقل و حرکت و غیره و قوام و کمال
و جاسوسان و نقل و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه
مشته و حد و وجه دارد: متعلق نخست و منسوب بمرح و سببان و
متعلق است و این در هفتم وجه و در در هفتم وجه که او را با هر شکی که بر منزه طاعت
یا مطلوب او بیرون آید و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه
و در در اول و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه
و او با شش متعلق بدو است و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه
وجه و مشته: نخست ثابت و منسوب بمرح و سببان و غیره و منسوب بدو است
و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه
نخست اخلاص و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه
متعلق بدو است و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه و در در هفتم وجه

و در دوم حد و پنجم وجه و در نهم مثلثه دارد: **سعد** خارج است منسوب است
 بافتاب سلطان و غرض و حکام بدو ملوک بود و از دور نهم شرف و در نهم
 سکن و در نهم حد و اول وجه و در نهم و پنجم مثلثه دارد: **سعد** منقلب است
 و منسوب است بر جل و نقد و حرا و اهل قلعه و جبال متعلق بدوت و در دهم
 شرف و در نهم سکن و در چهارم حد و در نهم مثلثه دارد: **سعد** ثابت است و منسوب است
 به طبار و سیحان و می شبان و اهل قلعه و خبرهای منقش تو و در نهم
 و در یازدهم شرف و در یازدهم سکن و در پنجم حد و در چهارم وجه و در نهم
 مثلثه دارد: **سعد** خلعت و تعلق به شری دارد و سادات و قضاوت
 باوست و در دهم شرف و در یازدهم سکن و در نهم وجه و در پنجم حد
 و در نهم و پنجم مثلثه دارد: **سعد** منقلب است و منسوب است به سمر و ارباب
 و جوی و سبک و نقره متعلق بدوت و در نهم شرف و در نهم
 سکن و در چهارم حد و در نهم مثلثه دارد: **سعد** منقلب است
 و منسوب است بر اس و مردم غله و ارباب متعلق بدوت و در چهارم

مجاذبات

شرف

شرف در سیم کن و در چهارم کن و در پنجم وجه و در اول
دارد مترج ثابت و مترج لعل و مترج و غلبه لعل بدو
دارد و در با نهم شرف و در چهارم کن و در سیم هم و در سیم و در
ششم مثلثه دارد سعد است و مترج بافت ر دو ملوک و اکابر
مترج بدست و در نهم شرف و در چهارم کن و در با نهم حد
و در اول وجه و در چهارم و اول مثلثه دارد پس بداند در مقابل هر خط ضعیف
و کبریت چون یلیغ همایون صاحب در این نسخه در عات اختصار
پیش و آنچه از مقصود مطلوب و از مملوبات این فرجه انتخاب که نمود و در
رساله آورده خود از جهت این بر تکیین زود نهاله شرح و بر طالب
اختصار نمود و بداند هر شکلی از اشکال در این تکیین طالب میفهم خودند
و میفهم او را مطلوب و خوانند چنانکه فرج طالب بود و حمره مطلوب فرج
و علی هذا القاس و قیاس این مقدمه در اشکال نیست که هر شکلی که در اول
اید از این اشکال بدین سگی شمارد که چند خود نوشت است اگر در خانه

سلسلہ درقی



دو بار اول آید چون تکین اول شمارند
دوم و اول است جهت طلب کند و اگر خبر نصرت الدحل در اول آید از خانه
بشارت در ششم آمد باشد دلالت کند بر دلالت سبیل و طلب میسر میزند
اورا با اول ضرب کنند و زده ام او بیرون آید که خانه امید است و امن حکام
سبیل و طالب عیال احکام مطلوب نیست که مطلوب شکل اول را به پس
که و چندم آمد است از آنجا گوید و اگر ظاهر شود باطن طلب کند که در چندم است از آن
گوید و باطن آن باشد که شکل انکاش زده خانه که در خانه مطلوب است
با اول ضرب کند و بتولد موم کند که شکل مطلوب در میان است اگر هست و در ظاهر
نیک است و دلالت بر شک مطلوب کند و اگر عکس بود و اگر ظاهر او باطن باشد
شکل که در خانه مطلوب است باطلوب ضرب کند که میفراید و از آنجا از حدش خارج
و خارج و ثابت و منقلب و الله اعلم بالصواب لا اله الا الله

۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵

